

## مقاله پژوهشی: نقش تجربه در دانش‌افزایی مدیریتی در سیره امام علی (علیه‌السلام)

کوروش بابلی<sup>۱</sup>

پذیرش مقاله: ۹۷/۱۱/۲۶

دریافت مقاله: ۹۷/۱۰/۲۱

### چکیده

شیوه‌ها و اصول حکومت‌داری مبتنی بر وحی و دستورات الهی حضرت علی (علیه‌السلام) الگویی بسیار مناسب و نادری است و به‌کارگیری این اصول باگذشت قرن‌ها می‌تواند به‌عنوان چراغ راه و راهنمای مدیران باشد. لذا این پژوهش باهدف شناخت نقش تجربه در گفتمان و سیره حکومتی امام علی (علیه‌السلام) انجام شده است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته شده است. جامعه آماری در این مقاله تمامی احادیث و روایاتی که امام علی (علیه‌السلام) در دوران حکومتشان در خصوص تجربه فرموده‌اند هست. نتایج حاصل از داده‌ها نشان می‌دهد که در نظر امام علی (علیه‌السلام) تاریخ همان تعابیر قرآنی همچون عبرت و... است که هدف از بیان آن کسب تجربه است، داشتن تجربه که به‌منزله دانش عینی است، سبب می‌شود که انسان با اتخاذ بهترین تصمیم، تدبیر امور کنند و داشتن تجربه یکی از معیارهای انتخاب افراد برای تصدی مسئولیت‌ها و همچنین مشاوران است و تجربه داشتن در امور نظامی می‌تواند زمینه‌ساز پیروزی در میدان نبرد باشد، چنان‌که که خود امام علی (علیه‌السلام) در جنگ‌ها از تجربه افرادی استفاده کرده‌اند.

**واژگان کلیدی:** ولایت امام علی (علیه‌السلام)، نهج‌البلاغه، مدیریت تجربه، عبرت.

## مقدمه

اسلام دینی کامل و در بردارنده تمامی قوانین و لوازم سعادت بشری بوده و قرآن کریم به عنوان نقشه راه این دین در جهت سعادت بشر بر پیامبر نازل شده است. از جمله مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر هر جامعه رهبر و مدیر آن و کیفیت اداره جامعه از طرف مدیر می باشد. به این دلیل یکی از مهم ترین بخش های قرآن توجه به سرگذشت رهبران الهی، مضامین دعوت، توجه به علل انقراض اقوام آنان می باشد. این بخش ها که در قرآن و نهج البلاغه متعدد است، باهدف عبرت گیری و کسب تجربه بیان شده است.

امام علی (علیه السلام)، به مدت پنج سال (۳۵-۴۰) رهبری جامعه اسلامی را بر عهده داشتند. سیره امام (علیه السلام) در حکومت بر اساس برداشت از قرآن کریم، روش پیامبر اعظم (صلی الله و علیه واله و السلم) و علم خاصشان (اصطلاحاً از آن به علم لدنی تعبیر می شود) بوده است. حاصل این دوران به جای گذاشتن موارد زیادی از شیوه ها و اصول حکومت داری مبتنی بر وحی و رفتار معصوم است که به کارگیری این اصول باگذشت قرن ها می تواند به عنوان چراغ راه و راهنمای مدیران باشد. در میان این اصول استفاده از تجربه دیگران داری جایگاه خاصی است که در آثار امام علی (علیه السلام) به دو صورت نمایان است:

الف) اهمیت و ضرورت استفاده از تجربه: در ۲۲ مورد در نامه ها، خطبه ها و کلمات قصار بر آن تأکید داشته اند.

ب) سیره عملی امام (علیه السلام): این موضوع تا جای مورد توجه بوده است که در موارد زیاد از جمله شرایط واگذاری مسئولیت ها به افراد، داشتن تجربه معیار اصلی بوده است. در این خصوص می فرمایند: «و از میان ایشان افرادی را برگزین که تجربه دارند، از حیا برخوردارند، از خاندان پارسا و در مسلمانی پیش قدم باشند، زیرا به واسطه این خصلت ها اخلاقشان گرمی تر و آبرویشان محفوظ تر و طمعشان کمتر است و در سنجش عاقبت کارها بینا تر هستند» (نهج البلاغه: نامه ۵۳).

در دنیای معاصر نیز استفاده از تجربه به عنوان یکی از منابع علم مدیریت جایگاه ویژه ای یافته است، به طوری که از دانش افراد باتجربه به عنوان یکی از مهم ترین منابع یادگیری سازمانی یاد شده، و استفاده از تجربه و حفظ آن مورد توجه جدی قرار دارد، تا جایی که از جمله عوامل موفقیت های مدیریتی وابسته به نگه داری و بهره گیری از تجربه می دانند.

هدف مهمی که در این مقاله بررسی می‌شود، شناساندن اهمیت تجربه در گفتارها، رفتارها و سیره حکومتی امام علی (علیه‌السلام) می‌باشد.

سیره مدیریتی امام علی (علیه‌السلام) به استواری و ارتباط و استناد به قواعد محکم منطقی از دیگر اندیشه‌ها متمایز است، این اندیشه دارای ویژگی‌هایی است که هیچ اندیشمند غربی در دانش مدیریت به آن دست نیافته است، و آن اندیشه انسان محور است که به مدیریت با نگرش انسانی می‌نگرد.

در جامع یک رخداد مدیریتی از ظهور ایده و دلایل بروز آن بررسی جوانب مختلف مسئله و واقعیت‌های محیطی و سازمانی، مفروضات، فهم‌ها، پرسش‌ها و تصمیم‌ها و بررسی اثرات اجرای آن نه تنها نیازمند ثبت به‌عنوان یک واقعه تاریخی است بلکه تحلیل صحیح این رویداد با همه زوایای آن می‌تواند راهگشای مدیریت راهبردی و نوید بخش فردایی روشن باشد (دفاع ملی، ۱۳۹۰: ۱۹).

برخی افراد نظر و عمل را به شیوه‌ای در تعارض باهم نمایش می‌دهند گاه به نام عمل‌گرای و تجربه‌مداری هرگونه اندیشه‌ورزی سازمان و تدابیر راهبردی علمی را نفی می‌کنند و تا آنجا پیش می‌روند که نظریه‌پردازی را شعار تلقی می‌کنند و از تجربه مفهوم نادرستی را مطرح می‌کنند. قبل از آن‌که آموزه‌های تجربی که فرد در طول زمان به دست آورده، خود، روزی نظریه‌ای بوده است که در بونه آزمایش عملی دیگران قرار گرفته است. چنین برداشت‌های نامناسب تعریف دقیق تجربه و جلوگیری از برداشت‌ها را ضروری می‌سازد (حکمت، ۱۳۸۶: ۱۹۸).

در این میان گفتار و سیره امام علی (علیه‌السلام) به‌عنوان پرتویی از کلام وحی ضمن نداشتن ضعف‌های موجود راه‌حلی میانه را برای بشریت ترسیم می‌نماید لذا: «تیین گفتمان و سیره مدیریتی امام علی (علیه‌السلام) در خصوص استفاده از تجربه دیگران در امور مدیریتی» مسئله‌ای که (باوجود تأکیدهای مکرر منابع دینی) کمتر مورد توجه بوده و مغفول مانده است،

توجه خاص قرآن کریم به مسئله تاریخ گذشتگان و مطالعه آن به‌منظور عبرت‌گیری با تفسیر امام علی (علیه‌السلام) نشانگر اهمیت این موضوع است.

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَ لَكِنَّ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ. (یوسف: ۱۱۱)

«به‌راستی در سرگذشت آنان، برای خردمندان عبرتی است. (این سخنی نیست که به‌دروغ ساخته‌شده باشد، بلکه تصدیق‌کننده آن (کتاب آسمانی) است که پیش از آن آمده و روشنگر هر چیز و (مایه) هدایت و رحمت برای گروهی است که ایمانمی‌آورند.»

تأکید امام علی (علیه‌السلام) بر تجربه که بخش قابل توجهی در گفته‌های آن حضرت را به خود اختصاص داده است از دیگر دلایل ضرورت این موضوع می‌باشد. عدم استفاده از تجربه دیگران در گفتمان امام علی (علیه‌السلام) زمینه سقوط اشخاص را فراهم می‌کند، ایشان در این خصوص می‌فرمایند:

«کسانی که خود را بی‌نیاز از استفاده درست از تجربه‌ها در تصمیم‌گیری می‌دانند در مسیر سقوط پیش می‌روند. زیرا هرکسی خود را از تجربه بی‌نیاز بداند از دیدن عاقبت امور کور گردد.» (ابن الحدید، ج ۲: ۲۰۶).

حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در ضرورت موضوع می‌فرمایند: «تدوین تجربیات برای ما و آیندگان ضروری است» (بیانات در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۲۵).

در دنیای معاصر نیز اهمیت این مسئله به‌عنوان یک منبع مهم دانشی موردتوجه است و در فرایند مدیریت هرچه اطلاعات دقیق‌تر و مستندتری در زمینه یک تصمیم یا رویداد موجود باشد، تحلیل فرایند، اتخاذ تصمیم، نقاط ضعف فرایند و نیز رویدادهای تابع آن آسان‌تر خواهد بود. هم‌چنین هر چه مستندات موجود دقیق‌تر و روشن‌تر ثبت شده باشد، دانش ارزنده‌تر و کاربردی‌تری را می‌توان به نسل‌های بعدی منتقل کرد. و این تحقیق از جهت اهمیت دارد.

هدف اصلی این تحقیق شناخت نقش تجربه در گفتمان و سیره حکومتی امام علی (علیه‌السلام) است و سؤال اصلی آن این است که تجربه چه نقشی در گفتمان و سیره مدیریتی امام علی (علیه‌السلام) داشته است؟

## مبانی نظری

**پیشینه‌شناسی:** با بررسی‌های به‌عمل‌آمده در بعضی مراکز علمی، دانشگاهی و سایت‌های اینترنتی مشخص شد که موضوع فلسفه حوادث گذشته از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) از قدیم موردتوجه محققان بوده و کتاب‌های در این موضوع نوشته شده است.

اما پژوهش یا مقاله‌ای مستقل که در آن به شکل موردی به نقش تجربه در سیره و دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) در دوران حکومتشان پرداخته باشد یافت نشد این مقاله اولین کوشش در این موضوع

می‌باشد. لذا در این پژوهش تأکید به استفاده از منابع دست اول، معتبر و معاصر با حکومت امام (علیه‌السلام) می‌باشد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- قرآن کریم

- نهج‌البلاغه، فیض‌الاسلام، انتشارات فیض‌الاسلام ۱۳۶۵.

- خوانساری، جمال‌الدین، شرح غررالحکم، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶

- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، انتشارات اسوه، بی‌تا

- ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، داراحیاء التراث العربی ۱۳۸۱.

- **مفهوم شناسی:**

**ولایت:** ولایت به معنای سرپرستی و زعامت و مدیریت جامعه دینی است نه معانی دیگر ولایتی که به اقتضای توحید ربوبی ذاتاً مختص خداست و بالعرض برای انسان‌های برگزیده و جانشینان مستقیم و غیرمستقیم او تجلی می‌یابد (حاج صادق، ۱۳۸۸: ۱۷)

**معنای لغوی تجربه:** کلمه تجربه در لغت به معنای آزمایش و امتحان است (فرهنگ عمید ذیل کلمه تجربه) هم‌چنین، به معنی آگاه شدن (اختبار) است که فکر انسان را توسعه می‌دهد و غنی می‌کند (بابلی، ۱۳۹۰: ۲).

**مجرّب:** کسی است که آزمایش‌های گوناگون فکر او را آزموده و استوار کرده باشد. تجربه تغییرات مفیدی است که برای صفات و حالات راسخ در ذهن ما حاصل می‌شود. و نیز مهارت‌هایی است که در نتیجه تمرین برای ما پیدا می‌شود و یا دانائی‌ها و هوشیاری‌هایی است که زندگی آن‌ها را برای ما حاصل می‌کند (فرهنگ فلسفی، ۱۳۸۵: ۲۱۱).

**تعریف اصطلاحی تجربه:** در فرهنگ وبستر عبارت‌هایی برای معنای تجربه<sup>۱</sup> آورده شده است برای نمونه: یک زندگی واقعی از طریق یک یا چند رویداد شخصاً در معرض پدیده‌هایی قرار گرفتن یا مشاهده نمودن در هنگام وقوع، یا هر آنچه برای فرد روی داده است، فعالیتی که مهارت‌آموزی، مشاهده یا تمرین و مشارکت فردی را شامل می‌شود (فرهنگ وبستر ذیل کلمه experience).

**تجربه‌داری:** به کسی گفته می‌شود که راه‌حل‌های مشکلاتی که در زمان و مکان خاص برای او ایجاد شده است می‌داند و الان نیز به استناد آن تصمیم صحیح برای تدبیر امور می‌گیرد (قاموس عربی‌المجرب ذیل واژه تجربه).

<sup>1</sup> experience

**عبرت:** به معنای عبور کردن، گام فراراندن و راه یافتن از بیرون یک چیز به درون آن است. به عبارت دیگر عبرت پلی است از رویدادهای تاریخی که از آن باید گذشت و به طبیعت و علل آن‌ها رسید و به باطنشان نفوذ کرد بسان نفوذ اشعه آفتاب، درون شیشه یا بسان دانش پژوهی که از ظاهر «عبارت» عبور می‌کند و به معنا می‌رسد و یا خواب‌گزاری که از قالب تمثیلی رؤیا می‌گذرد و به درونش راه می‌یابد و آن را «تعبیر» می‌کند (وفا، ۱۳۸۵: ۱۶).

**سیره در رفتار حکومتی:** سیره در لغت بر وزن فعله به معنای نوع و کیفیت رفتن است. اما سیره در اصطلاح مورخان صدر اسلام به معنای احوال و تاریخ زندگی پیامبر (صلی‌الله و علیه واله و السلم) و امامان در همه ابعاد زندگی است (مطهری، ۱۳۶۳: ۵۳).

### چارچوب نظری

**تجربه از دیدگاه حضرت امام خمینی (مدظله‌العالیه):** باید بدانید و می‌دانید که قشرهای غیرمسلم یا غیرملتزم به اسلام، از پشت به شما خنجر می‌زنند و شمارا قبل از وصول به هدف از کار می‌اندازند یا نابود می‌کنند. از تجربه‌های سابق عبرت بگیرید و تجربه می‌تواند شمارا از این ورطه نجات دهد (امام خمینی، ج ۲: ۵۶).

**تجربه از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالیه):** آنچه انسان‌ها با عقل و تجربه و حواس خود، از نبوغ‌ها، خردمندی‌ها، دانشمندی‌ها و تجربه‌های گذشتگان می‌یابند شخصیتشان را به مقام بالا و مکان رفیعی می‌نشانند (بیانات تاریخ ۱۳۷۵/۵/۸).

**تجربه از دیدگاه اندیشمندان مدیریت دانش:** مدیریت تجربه که باهدف افزایش یادگیری سازمانی و توسعه دانش کارکنان ایجاد شده است، در واقع فرایند بازیابی، مستندسازی، استفاده مجدد و اصلاح و تعدیل تجارب سازمانی را به عهده دارد. استفاده مجدد از تجارب سیستماتیک، کارکنان را در انجام فعالیت‌های روزانه و کوتاه کردن زمان حل مسائل یاری می‌دهد و رفته رفته یادگیری فعال و عملی در سازمان را جایگزین تجارب پراکنده و حل موردی مسائل متعدد می‌کند. بنابراین می‌توان تجربه را به منزله دانش یا مهارتی دانست که از تمرین و ممارست در یک فعالیت یا انجام کاری در یک دوره زمانی نسبتاً طولانی حاصل می‌شود. انتقال تجربه مدیران در بهبود فعالیت‌های سازمان تأثیر مستقیم دارد و خود مایه ایجاد دانش در سازمان خواهد شد (خاکی، ۱۳۸۸: ۷۶).

**تجربه از دیدگاه معرفت‌شناختی:** تجربه به معارف صحیحی که عقل از طریق تمرین‌های مختلف کسب می‌کند، اطلاق می‌گردد. نه به این معنی که این معارف داخل در طبیعت عقل است، بلکه

از این جهت که عقل آن‌ها را از خارج کسب کرده است. فیلسوفان بین تجربه خارجی که ناشی از احساسات خارجی است و تجربه داخلی که ناشی از احساسات باطنی است فرق گذاشته‌اند (آرام، ۱۳۶۵، ج ۴: ۳۷).

**گفتنمان، سیره و رفتار حکومتی امام علی (علیه‌السلام): بهره‌گیری از تجربه در تصمیم‌گیری:** مشکلاتی که ما عموماً با آن مواجه هستیم پیچیده هستند بنابراین به میزان معقولی از دانش نیازمند هستیم تا بتوانیم بین حقایق و فرضیه‌ها و نتایج به‌خوبی تفکرات تفاوت قائل شویم و این اطلاعات را به داده‌های مفید برای تصمیم‌گیری پردازش کنیم در زیر نمونه‌های از گفتنمان امام علی (علیه‌السلام) در خصوص استفاده از تجربه در موقع تصمیم‌گیری آورده می‌شود:

«من التوفیق حفظ التجربة» (نهج‌البلاغه: حکمت: ۲۱۱). «نگهداری [و بهره‌گیری درست از] تجربه از موفقیت است».

این موفقیت بدان سبب است که تجربه، خود دانش تازه‌ای درباره امور فراهم می‌آورد و تصمیم‌گیری را با پشتوانه آن استوارتر می‌سازد.

در تجربه دانشی تازه [نهفته] است.

تجربه موجب افزایش و کارایی خرد می‌گردد و در نتیجه تصمیم‌ها به‌درستی و دقت بیشتر گرفته می‌شوند. از علی (علیه‌السلام) نقل شده است که فرمود:

«العقل غریزه تزیید بالعلم و التجارب». (غرر الحکم، ۱۳۶۵، ج ۱: ۸۵)

خرد استعدادی است که با علم و تجربه افزایش می‌یابد.

و نیز از حضرت امام حسین (علیه‌السلام) روایت شده است: «طول التجارب زیاده فی العقل». تجربه‌های

طولانی سبب افزایش خرد است (مجلسی، ۱۳۶۵، ج ۷۸: ۱۲۸).

هم‌چنین با بهره‌گیری درست از تجربه‌هاست که در برابر انبوهی از معضلات و راه‌های گوناگون و مبهم، می‌توان بهترین راه را انتخاب کرد و به تصمیم صواب دست‌یافت، زیرا اگر تجربه‌ها نبود، راه‌های ناپیدا بر جستجوگران مکشوف نمی‌شد.

از امیر مؤمنان (علیه‌السلام) نقل شده است که فرمود: «لو لا التجارب عمیت المذاهب». (همان، ج ۷۱،

۳۴۲) اگر تجربه‌ها نبود راه‌ها پنهان می‌ماند.

و روشن است که گام نهادن در راه‌های ناشناخته و پنهان چه خطرهایی ممکن است در پی داشته باشد و تصمیم‌گیری بدون شناخت موجب پشیمانی می‌گردد. آنان که برای تصمیم‌گیری تجربه‌ها را به کار می‌گیرند از این خطرها در امان می‌مانند.

برای رسیدن به هر مقصدی راه‌های گوناگون پیش روی یک مدیر وجود دارد و تواناترین مدیر کسی است که بهترین راه‌کار و مناسب‌ترین روش را برای رسیدن به مقاصد بیابد. وارد شدن در امور از راه درست آن، از مهم‌ترین مسائلی است که یک مدیر باید برای تصمیم‌گیری از آن سود برد. بسیاری از مدیران در پی مقاصد مطلوب و ایده‌آل، وارد میدان عمل شدند و بی‌هیچ وقفه‌ای تلاش کردند و رنج فراوان بر خود و دیگران تحمیل نمودند، اما با وجود چنان تکاپو و تحمل مشکلات فراوان به نتیجه مطلوب دست نیافتند و به مقاصد خود نرسیدند. در بسیاری مواقع نیز نه تنها گامی به پیش نرفتند که از مقصد دورتر و دورتر شدند. چنانچه در علل و اسباب عدم موفقیت و ناکامی آنان دقت شود، مشخص می‌گردد که عمده‌ترین علل و اسباب آن عدم ورود از راه درست و بی‌توجهی به روش مناسب در تصمیم‌گیری‌ها بوده است که نتیجه آن خستگی و سرخوردگی و هدر دادن منابع باارزش انسانی و اقتصادی است (تهرانی، ۱۳۸۵: ۶۹). خداوند نسبت به انجام دادن امور از راه و روش مناسب عنایت خاص فرموده است: *وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ*. (بقره: ۱۸۹) «نیکوکاری آن نیست که از پشت خانه‌ها درآیید، بلکه نیکویی آن است که متقی باشید و به هر کار از راه آن وارد شوید و تقوا پیشه سازید که رستگار شوید.»

در ذیل این آیه شریفه روایتی وارد شده است که جهت‌گیری آیه را کاملاً مشخص می‌سازد. جابر بن یزید نقل کرده است که امام باقر (علیه‌السلام) در معنای آیه *لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا* .. فرمود: «یعنی آن یأتی الأمور من وجهها، أي الأمور کان.» (تفسیر العیاشی، ۱۳۵۴، ج ۱: ۸۶) مراد آن است که در تمام کارها، هر چه باشند، از راه آن وارد شوید.

تصمیم‌گیری‌های رسول خدا (صلی‌الله و علیه و آله و السلام) و معصومان در سراسر دوران زندگی‌شان گویای آن است که بهترین راه‌ها و مناسب‌ترین روش‌ها اتخاذ شده است.

**تجربه، مانع فریب و شکست:** به میزانی که تجربه‌های انسان زیاد می‌شود به گنجینه‌ای باارزش برای تصمیم‌گیری صحیح دست پیدا می‌کند که عامل مهمی در کاهش اشتباه‌ها و فریب‌ها می‌شود.

«هرکسی تجربه‌اش بسیار باشد کمتر فریب می‌خورد» (غررالحکم، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۶).



این حقیقت در حدیث مشهور نبوی به زیبایی تمام وارد شده است که فرمود:

«مومن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود» (احمد ابن حنبل، ۱۳۴۳، ج ۲: ۸۱۵).

بنابراین وقتی کاری تجربه شد، و درستی و زیان آن روشن گردید، دیگر نباید آن تجربه تکرار شود که نتیجه آن جز زیان نیست. کسانی که در تصمیم‌گیری‌های خود، از پشتوانه تجربه‌ها بهره نمی‌گیرند، پیوسته در معرض اشتباه و زیانند.

«کسانی که خود را بی‌نیاز از استفاده درست از تجربه‌ها در تصمیم‌گیری می‌دانند در مسیر سقوط پیش می‌روند زیرا: هرکسی خود را از تجربه بی‌نیاز بداند از دیدن عاقبت امور کور گردد» (همان، ج ۲: ۲۰۶).

حال آن‌که با بهره‌گیری درست از تجربه‌ها می‌توان بهترین راه‌کارها را یافت و به اقدام مناسب دست زد. حضرت علی (علیه‌السلام) در این خصوص می‌فرماید:

«هر که تجربه‌ها را نگه دارد [وبه موقع به کار ببندد] اعمال و برنامه‌هایش درست می‌شود» (همان، ج ۲: ۲۹۹).

اهمیت این موضوع در میدان نبرد دو چندان است که نداشتن تجربه موجب شکست خود و دیگران و مقاومت نکردن در مقابل تاکتیک‌های دشمن می‌شود. زیرا هر یک از طرف‌های درگیر کلیه امکانات نظامی تبلیغی و... را به‌منظور غافل‌گیر کردن نیروهای طرف مقابل و ایجاد تزلزل در روحیه آنان به کار می‌گیرد. پیامبر اسلام (صلی‌الله و علیه‌واله و الستم) فرمود:

«جنگ خدعه و فریب است» (ابن اثیر، ۱۳۱۱، ج ۲: ۱۸۲).

حضرت علی (علیه‌السلام) نیز در این خصوص می‌فرماید:

«هر که کارها را نیازماید و به محک تجربه نگذارد، دچار فریب می‌شود» (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۹۶). بدین ترتیب اگر نیروی رزمی تجربه کافی نداشته و با مشکلات میدان رزم و تاکتیک‌های آن آشنا نباشد، نمی‌تواند در برابر انواع ترفندهای رزمی و طرح‌های فریبنده دشمن مقاومت کرده و موفق شود.

علاوه بر این‌که تجربه در عدم فریب نیروها در غافل‌گیرکردن دشمن هم مؤثر است، با کار کشتگی و تجربه می‌توان دشمن را فریب داد و غافلگیر کرد (نرم‌افزار زمزم، ۱۳۸۵: ۲۴۴).

**تاریخ محصول تجربیات گذشتگان:** غرض از تاریخ، آگاهی بر احوال گذشتگان است و فایده آن عبرت گرفتن از این احوال و گرفتن تجربه از راه وقوف بر دگرگونی‌های روزگار است تا از

مضرات آن احتراز و از منافع آن‌ها استفاده شود. این علم چنان‌که گفته‌اند «عمر دوباره» است (کشف الظنون، ج ۱: ۲۱۲).

هرکسی در زندگی خود احتیاج به تجربه دارد، اما عمر یک شخص برای کسب همه تجربه‌ها کافی نیست. تنها از راه تاریخ می‌توان از تجربه‌های گذشتگان بهره گرفت، زیرا تاریخ دربردارنده تجربه‌های افراد و جامعه‌هایی است که در گذشته زندگی کرده و تجربه‌های تلخ و شیرینی کسب نموده‌اند که اکنون می‌توان از آن‌ها سود جست، چنین کسی آن را می‌ماند که به درازای تاریخ عمر کرده باشد (منتظرالقایم، ۱۳۸۵: ۳۲).

تاریخ در نهج‌البلاغه، صحنه کشاکش و آزمایش انسان‌هاست و پیروز و سربلند کسی است که موفق به طی این مسیر بر مبنای معیارهای الهی شود. شکل‌گیری تاریخ به دست انسان‌ها و بر اساس سنت خداوندی صورت می‌گیرد.

در فهم تاریخ‌نگری نهج‌البلاغه دو مفهوم «دنیا و آخرت» کلیدی و حساس است. آنچه در توصیف دنیا آمده: «برای آزمایش و عبرت» و «عرضه نبرد حق و باطل» همان نگاهی است که تاریخ را از این دیدگاه معنا می‌کند.

آدمی باید بداند که دنیا وسیله است نه هدف، چون اگر آن را هدف خود بداند از درک و دریافت قدر و منزلت خود بازمی‌ماند. تمام زشت کاری‌های آدمی در طول تاریخ به دلیل آن بوده که وی دنیا را «منزلگاه آخر» پنداشته و شیطان نیز با وسوسه‌هایش، آن‌را آراسته‌تر جلوه داده است.

نگرش به تاریخ در نهج‌البلاغه، نگرشی است که از خدا آغاز شده و به خدا ختم می‌شود، همه‌چیز فانی است به غیر او، و او اصل است و غیر او، همه فرع، مقام انسان ارجمند است به شرط آن‌که آن را بشناسد. حجت بر او تمام و ادله بسیار بر او عرضه شده، اما درنهایت، باز هم خود اوست که باید راه خویش را برگزیند، او راه‌های بسیاری را آزموده و می‌آزماید و تاریخ به معنای مجموعه گزینش‌ها و آزمایش‌های اوست که هویت و چگونه بودنش را هم می‌نماید و هم می‌سازد (اردکانی، ۱۳۸۵، ج ۶۹: ۲). و امام علی (علیه‌السلام) تجربه نیندوختن از تاریخ را نشانه سقوط می‌داند و می‌فرماید: «چهار چیز نشانه سقوط و سیر نزولی جامعه است: سوءتدبیر (در طرح و برنامه‌ریزی) ریخت‌وپاش (در هزینه) تجربه نیندوختن از تاریخ و زیاد پوزش خواستن» (نهج‌البلاغه نامه‌ها: ۳۱).

نهج‌البلاغه افزون بر این که ما را به مطالعه و تحقیق در تاریخ سفارش می‌کند، خود در نقل حوادث و وقایع مهم و حساس تاریخی پیشگام است و بیش از هر کتاب دیگر از تاریخ سخن به میان

آورده است. در نخستین خطبه آن مقاطع مهمی از تاریخ عنوان شده است. همانند تاریخ پیدایش جهان و مراحل طبیعی آن، آفرینش انسان نخستین حضرت آدم (علیه‌السلام) خلقت فرشتگان و بعثت انبیا علیهم‌السلام که هرکدام تجربه‌ای در مواجهه با زمانشان داشته‌اند و برای ما به یادگار گذاشتند. مقاومت حضرت ابراهیم خلیل (علیه‌السلام)، تجربه سیاسی پیامبر (صلی‌الله و علیه و اله و السلم) در مبارزه با شرک و.. همه این‌ها نشانگر اهمیت تجربه در نهج‌البلاغه است.

علی (علیه‌السلام) خطاب به فرزندش این مسئله را چنین بیان می‌فرماید:

«قلبت را با موعظه و اندرز زنده کن و با نشان دادن فجایع و مصائب دنیا آن را بصیر گردان و از حملات روزگار و زشتی‌های گردش شب و روز بر حذرش دار. اخبار گذشتگان را بر او عرضه کن و آنچه را که به پیشینیان رسیده است یاد آورش کن. در دیار و آثار مخروبه آن‌ها گردش نما و درست بنگر که آن‌ها چه کرده‌اند» (شرح غررالحکم، ۱۳۶۵، ج ۲، ۶۱).

تاریخ در نهج‌البلاغه مانند شخص دلسوز و آگاهی معرفی شده است که در مراحل مختلف زندگی به انسان هوشمند چنین رهنمود می‌دهد:

«تفکر آینه زندگی و عبرت گرفتن (از تحولات تاریخی) بیم دهنده‌ای خیرخواه است» (نهج‌البلاغه نامه‌ها: ۳۱).

ولایت امام علی (علیه‌السلام) و ائمه، محک تجربه: پیامبر (صلی‌الله و علیه و اله و السلم) اعتقاد دارند که ولایت امام علی (علیه‌السلام) و ائمه برای تجربه بشریت است. غفاری مازندرانی در ترجمه کتاب الاحتجاج از پیامبر (صلی‌الله و علیه و اله و السلم) در روز غدیر نقل می‌کند:

«حضرت مهیمن (خدای مسلط بر امور) ممتحن (امتحان کننده) است تا شما را با اعلام و تبلیغ ولایت علی (علیه‌السلام) و ائمه البریه (خوبان) تجربه نماید» (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱، ۲۳۸).

از دیدگاه نویسنده «کتاب تاریخ سیاسی غیبت»، فلسفه غیبت صغری برای کسب تجربه در دوران غیبت کبری است و می‌نویسد:

«غیبت صغری مقدمه و زمینه‌ساز غیبت کبری به شمار می‌رود، توفیق‌های حضرت توسط نواب به دست مردم می‌رسید و بدین ترتیب شیعیان، با پیشوایان مرتبط می‌شدند و خود را برای غیبت کبری و رویارویی با شرایط دشوارتر آماده می‌کردند. در پرتو این تجربه و تمرین بود که تحمل غیبت کبری برای شیعیان از بعد اعتقادی چندان مشکل نبود، درحالی‌که پذیرش آن برای دیگران دشوار بود» (جاسم حسین، ۱۳۸۴: ۲۵۶).

**تجربه در وصیت‌نامه امام علی (علیه‌السلام):**

حضرت علی (علیه‌السلام) خطاب به امام حسن (علیه‌السلام) به‌عنوان نماینده همه فرزندان، در بهره‌مندی از تجربه و حوادث گذشته می‌فرماید:

الف) «با تصمیم جدی به استقبال امری بشتاب که اندیشمندان و اهل تجربه زحمت آزمودن آن را کشیده‌اند» (شرح غررالحکم، ۱۳۶۵، ج ۱، ۴۵۲).

ب) از تکیه کردن بر آرزوها بر حذر باش که سرمایه احمقان است و عقل وسیله به یاد سپردن تجربه‌هاست (نهج البلاغه، نامه: ۳۱).

ج) خَيْرُ مَا جَرَّبْتُ مَا وَعَظْتُكَ. (همان: ۳۱)

«بهترین تجربه‌هایت آن است که به تو پند دهد، پیش از آن‌که فرصت از دست برود و مایه اندوهت گردد آن را غنیمت شمار.»

د) «اَيُّ بَنِيَّ اَنِي وَاَنْ لَمْ اَكُنْ عُمَرْتُ عُمُرَ مَنْ كَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي اَعْمَالِهِمْ وَفَكَرْتُ فِي اَخْبَارِهِمْ وَ سِرَّتْ فِي اَثَارِهِمْ حَتَّى عُدْتُ كَاَحَدِهِمْ بَلْ كَانِي بِمَا اَنْتَهَى اَلِيَّ مِنْ اُمُورِهِمْ قَدْ عُمُرْتُ مَعَ اَوْلِيهِمْ اِلَى اٰخِرِهِمْ فَعَرَفْتُ صَفْوَ ذَلِكَ مِنْ كَدْرِهِ وَ نَفْعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ» (همان: نامه ۳۱). پسر من اگر من چه به اندازه همه کسانی که پیش از من بوده‌اند نزیسته‌ام اما در کردار آنان به‌دقت نگرستم و در اخبارشان تفکر نمودم و در آثار آن‌ها به سیر و سیاحت پرداختم تا هم‌چون یکی از آنان شدم، بلکه گویا در اثر آنچه از تاریخ آن‌ها به من رسیده با همه آنان از اول تا آخر بوده‌ام. من قسمت زلال زندگی آنان را از قسمت تاریک باز شناختم و سود و زیانش را دانستم (همان).

**تفسیر:** امام در این بخش نمی‌فرماید قوانین پیش‌ساخته درباره انسان‌ها چنین اقتضا می‌کند که من برای تو می‌خواهم بگویم، بلکه می‌فرماید فرزندم من در کردار و رفتار آنان نگرستم و آثار آنان را پیگیری کردم، درباره اخبار صحیح آنان اندیشیدم در این راه چنان استواری و پیگیری دقیق کارکردم که گویا من با همان مردم بوده‌ام و با آنان زندگی کرده‌ام، لذا اصول و قوانین ناب را که از حوادث و رفتارهای زندگی و نتایج کارهای آنان به دست آوردم برای تو انتخاب نموده و بیان می‌کنم (جعفری، ۱۳۷۳، ج ۲، ۲۵۶).

**داشتن تجربه، شرط اصلی واگذاری مسئولیت‌ها:**

اهمیت تجربه در فرهنگ اسلامی به حدی است که در برخی روایات از آن به‌عنوان یکی از معیارهای گزینش نیرو یاد شده است. ازجمله معیارهای مسئولیت، شناخت و سنجش توانایی افراد

به میزان تجربه آنان بیان شده است، زیرا گوهر توانایی انسان‌ها در معرکه آزمون‌ها مشخص می‌شود (تهرانی: ۱۳۸۵: ۲۴)). از امیر مؤمنان (علیه‌السلام) روایت شده است که فرمود:

«مردمان جز با آزمون شناخته نشوند» (شرح غررالحکم، ۱۳۶۵، ج ۵: ۶۵).

واگذاری مسئولیت به افراد بدون آن‌که آزمون شده باشند و توانایی‌های آنان مشخص شده باشد، به منزله آن است که افراد و مسئولیت‌ها در معرض تباهی قرار گیرند. کسی که پیش از آزمودن خویش و ظهور توانایی‌هایش خود را در معرض مسئولیتی قرار دهد به استقبال هلاکت می‌رود و نه تنها خود را، بلکه آن مسئولیت را به سوی تباهی می‌برد. خواجه نصیرالدین طوسی، با بهره‌گیری از سخنان امام علی (علیه‌السلام) درباره شرایط واگذاری مسئولیت‌ها می‌نویسد:

«اما این شرایط عبارتند از شرافت در اصل و نسب، همت بلند، متانت رأی، داشتن تجربه کافی، اراده محکم، صبر بر شداید، توانگری، شجاعت» (طوسی، ۱۳۳۶: ۳۱۶).

**سیره حکومتی امام علی (علیه‌السلام) در این باره:** در زمان حکومت حضرت علی (علیه‌السلام) مصر یکی از استان‌های حساس بود. علی (علیه‌السلام) پس از برکناری قیس ابن سعد از استانداری مصر، محمد بن ابی‌بکر را برگزید در زمان استانداری وی حمله معاویه به مصر شروع شد، همراهی مخالفان داخلی با سپاه معاویه سبب اختلافات در میان مصریان شد. نابسامانی اوضاع مصر و فقدان تجربه محمد بن ابی‌بکر در مدیریت بحران موجب نگرانی امام شد و تصمیم گرفت مالک اشتر را به جای وی به استانداری مصر منصوب کند، بدین منظور نامه‌ای به مالک اشتر نوشت که در آن به اهمیت تجربه در حکومت و علت عزل محمد بن ابی‌بکر چنین اشاره می‌فرماید: «راستی تو از کسانی هستی که من برای برپاداشتن دین از تو کمک می‌گیرم و به وسیله تو سرکشان را به جای خود می‌نشانم و مرز پر از بیم و خطر را بر دشمن می‌بندم. استانداری مصر را به محمد بن ابی‌بکر واگذار کردم، شورشیان بر وی شوریدند او جوانی است کم سن و سال در جنگ آزموده نیست تجربه در کارها ندارد، پس بی‌درنگ به سوی من بشتاب تا در کاری که شایسته است بیندیشیم» (شرح ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۱: ۸۳).

نکته مهم در نامه امام علی (علیه‌السلام) این است که علت برکناری محمد بن ابی‌بکر را تنها کم‌تجربگی او می‌داند. در فرازی دیگر به مالک، دستور می‌دهند که در واگذاری مسئولیت‌ها افرادی را برگزیند که از جمله ویژگی آن‌ها داشتن تجربه باشد:

«از میان ایشان افرادی را برگزین که تجربه‌دارند، از حیا برخوردار، از خاندان پارسا و در مسلمانی پیش قدم باشند، زیرا به واسطه این خصلت‌ها اخلاقشان گرمی‌تر و آبرویشان محفوظ‌تر و طمعشان کمتر است و در سنجش عاقبت کارها بیناتر هستند» (نهج البلاغه: نامه ۵۳).

**اهمیت استفاده از تجربه دیگران در نگاه امام علی (علیه السلام):** مسئله مهمی که در بحث تجربه باید مورد توجه قرار گیرد، استفاده از تجربه دیگران است. بدین جهت است که امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «رأی و اندیشه پیرمرد را در جنگ و هر کاری از صلابت و دلاوری جوان بیشتر دوست دارم» (نهج البلاغه: حکمت ۸۳).

امام علی (علیه السلام) وظیفه صاحبان تجربه را قرار دادن آن در اختیار دیگران می‌داند و در وظیفه دیگر مردمان آموختن تجربه از افراد باتجربه می‌فرماید: «از وظایف مردم عادی است که بکوشند و بیاموزند و تجربه ببندوزند تا از عوامی بیرون آیند و به جرگه خواص بپیوندند». آموزه‌های اسلامی همان‌گونه که دانشمندان را موظف کرده که از دانش خود دیگران را بهره‌مند سازند آنان نیز که نمی‌دانند را مکلف ساخته بیاموزند، و بر اندوخته‌های خویش بیفزایند و با هر نسیمی به این سو و آن سو نروند» (همان: حکمت ۱۴۷).

دریانی دیگر اهمیت استفاده از تجربه دیگران را چنین بیان می‌فرماید: «شقی کسی است که از منفعت تعقل و تجربه‌ای که به او داده شده است، محروم بماند» (همان: نامه ۷۸).

**اهمیت ثبت حوادث در نگاه امام علی (علیه السلام):** مقصود از ثبت فقط نوشتن جزئیات حوادث نیست، بلکه مقصود از نوشتن، عبرت، حکمت و درس برای آیندگان است. لسان العرب در معنای ثبت می‌نویسد: «ثبت تبدیل اخبار شفاهی به مطلب نوشته شده است، که به دو شکل ترسیم و تدوین انجام می‌شود. ارزیابی، تفسیر و نتیجه‌گیری از اخبار رسیده، آن را قابل استفاده می‌کند» (ابن منظور: ۴۵۶).

**سیره حکومتی امام علی (علیه السلام) در این باره:** در دوران حکومت امام در شهر کوفه، افرادی را بر دروازه‌های کوفه گماشت که اسامی و اخبار و مشاهدات کسانی که از شهر خارج می‌شوند را ثبت کنند. بدین جهت است که در اهمیت ثبت حوادث و تجربه‌ها می‌فرماید:

«ای مردم تعیین وقت (تاریخ حادثه) بنویسید و آن را اعلام نمایید» (مجلسی، ۱۳۶۵، ج ۶۵: ۲۸۲).

هم‌چنین اهمیت این موضوع را در روایت نبوی می‌توان دریافت که می‌فرماید:

«علم را مکتوب دارید تا محفوظ بماند» (همان: ۷۸)

همین تأکید پیامبر (صلی‌الله و علیه‌واله و السلم) در نوشتن موجب انتقال علوم و معارف اسلامی به ما شده است.

**سیره حکومتی پیامبر (صلی‌الله و علیه‌واله و السلم) در این باب:** پیامبر (صلی‌الله و علیه‌واله و السلم) دستور فرمودند افرادی خاص، نحوه جنگیدن (قوت‌ها و کاستی‌ها) رشادت‌ها و تعلل‌های میدان نبرد و اسامی کسانی که صحنه جنگ را ترک می‌کردند ثبت کنند. در این خصوص می‌فرماید:

«هرکسی سرگذشت مؤمنی را ثبت کند گویا او را زنده کرده است» (شیخ عباس قمی، ج ۲، ۶۴: ۶۵) هم‌چنین پیامبر (صلی‌الله و علیه‌واله و السلم) از تجربه دیگران در جنگ‌ها استفاده می‌کرد. ابن اثیر می‌نویسد: «پیامبر (صلی‌الله و علیه‌واله و السلم) با استفاده از تجربه سلمان فارسی که تجربه شیوه جنگ‌های ایرانیان در حفر خندق آشنایی داشت، توانست شهر مدینه را در مقابل حمله دشمن در جنگ احزاب محافظت کند (ابن اثیر، ۱۴۱۱: ۹).

#### تجربه به مثابه اسناد عینی و عقلی

در متون اسلامی به جای تقسیم عقل به نظری و عملی، تقسیم‌بندی دیگری وجود دارد و آن، تقسیم عقل به عقل طبع و عقل تجربه‌ها، عقل مطبوع و عقل مسموع است. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

العَقْلُ عَقْلَانِ: عَقْلُ الطَّبْعِ وَّ عَقْلُ التَّجَرِبَةِ، وَ كِلَاهُمَا يُؤَدِّي الْمَنْفَعَةَ. (دانش‌نامه عقاید اسلامی، ۱۳۸۷: ۲۲)

جالب توجه است که از ایشان همین تقسیم، درباره علم، روایت شده است:

العِلْمُ عِلْمَانِ: مَطْبُوعٌ وَّ مَسْمُوعٌ وَّ لَا يَنْفَعُ الْمَسْمُوعُ إِذَا لَمْ يَكُنِ الْمَطْبُوعُ. (همان: ۲۳)

«دانش، دو گونه است: مطبوع و مسموع. دانش مسموع، بدون دانش طبیعی، سودمند نیست.»

سؤال، این است که عقل و علم مطبوع چیست و چه تفاوتی با عقل و علم مسموع دارد، و چرا اگر عقل و علم مطبوع نباشد، عقل تجربه و علم مسموع برای انسان مفید نیست؟

پاسخ، این است که به حسب ظاهر، مقصود از عقل و علم مطبوع، معارفی هستند که خداوند متعال در طبیعت همه انسان‌ها نهاده تا بتوانند راه کمال را بیابند و به مقصد نهایی آفرینش خود، راه یابند.

قرآن کریم، از این معارف فطری به "الهام فجور و تقوا" تعبیر کرده است:

وَنَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا\* فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا. (شمس: ۸۷)

«سوگند به نفس و آن‌کس که آن رای درست کرد [و] سپس پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش رای به آن، الهام کرد.»

عقل طبع که امروزه از آن به وجدان اخلاقی یاد می‌شود هم مبدأ ادراک است و هم مبدأ تحریک، و اگر بر اساس تعالیم پیامبران الهی احیا شود و رشد کند، انسان می‌تواند از سایر معارفی که از طریق تحصیل و تجربه می‌اندوزد، بهره بگیرد و به حیات طیبه انسانی دست یابد.

اگر عقل طبع (وجدان اخلاقی) در اثر پیروی از تمایلات نفسانی و وسواس شیطنی بمیرد، هیچ معرفتی برای رساندن انسان به زندگی مطلوبش سودمند نیست. همان‌گونه که در کلام زیبایی امیر مؤمنان آمد، عقل طبع، نقش چشم را دارد و عقل تجربه، نقش خورشید را. برای دیدن حقایق، هم چشم سالم لازم است و هم نور خورشید، و چنان‌که نور خورشید نمی‌تواند جلوی لغزش نابینا را بگیرد، عقل تجربه هم نمی‌تواند مانع لغزش و انحطاط کسانی گردد که عقل طبع آنان مرده است.

از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) برای ارتباط با واقعیت‌های عینی مشاهده و تجربه اساسی‌ترین وسیله است. بر اساس همین دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) وظایف دانشمندان عبارتند از:

الف) مشاهده و تجربه و توصیف واقعیات و حقایق هستی و وارد ساختن مجهولات به عرصه معلومات.

ب) تصرف صحیح در شناخت و بکار بستن همه علوم و معارفش برای توفیق یافتن به حیات مطلق «نهج البلاغه: خطبه ۱۳۴».

**نقش تجربه در فرماندهی:** تجربه کافی در مسائل، فرمانده را بر امور مسلط و با مشکلات آشنا و برای رفع آن‌ها آماده می‌سازد. به همین جهت حضرت علی (علیه‌السلام) به خلیفه دوم فرمود:

«تو خود برای جنگ از مدینه خارج نشو، لیکن مردی جنگ‌دیده را به سوی دشمنان بفرست، دشمن اگر بداند فرمانده در میان سپاه هست تمایلش در جنگیدن افزون می‌شود» (شرح غررالحکم، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۴۲).

همیشگی، در کشف الاستار در باره اهمیت تجربه در فرماندهی از نگاه پیامبر (صلی‌الله و علیه‌واله و السلام) می‌نویسد: «در یکی از جنگ‌ها پیامبر (صلی‌الله و علیه‌واله و السلام) سعدابن وقاص، را برای خبرگیری از وضعیت دشمن به مأموریت فرستاد. سعد، در بازگشت برخلاف رفتن، با آهستگی و وقار بیشتری راه می‌رفت. پیامبر (صلی‌الله و علیه‌واله و السلام) فرمود: «چرا بر خلاف رفتنت که باعجله راه رفتی، راه می‌روی؟ گفت با این حرکت نمی‌خواستم دشمن برداشت کند که باعجله در راه رفتنم ترسیده‌ام. اینجا بود که پیامبر (صلی‌الله و علیه‌واله و السلام) ضمن تحسین از او و تجربه‌اش فرمود:

«سعد، در امر فرماندهی آدم با تجربه و شایسته‌ای است» (همیشگی، ۱۳۹۹، ج ۲: ۲۰۶).



ابن اثیر، در خصوص سیره امام علی (علیه‌السلام) در جنگ‌ها می‌نویسد: «تجربه نظامی سلیمان ابن برد در همه جنگ‌ها همراه علی ابن ابی طالب بود» (ابن اثیر، ۱۳۱۱، ج ۲: ۳۵۱).  
 تجربه داشتن، شرط اساسی در مشورت: مشورت با کسانی که اهل تجربه‌اند می‌تواند انسان را از خطاهای گذشتگان مصون دارد و به درستی‌های آنان رهنمون شود. به همین سبب است که مشورت با اهل تجربه توصیه شده است، چنان‌که در سفارش‌های علی (علیه‌السلام) آمده است:  
 «أفضل من شاورت ذوا التجارب.» (غررالحکم، ۱۳۶۵، ج ۱: ۴۰۷)  
 برترین کسی که با وی مشورت کنی باید دارای تجربه‌های فراوان باشد.  
 و نیز آمده است:

«خیر من شاورت ذوا النهی و العلم و أولوا التجارب و الحزم.» (همان، ۳۵۰)

«بهترین کسی که با او مشورت کنی خردمندان و دانشمندان و خداوندان تجربه‌ها و دوران‌دیشی‌اند.»

آنان که تجربه فراوان دارند، از آرای پخته و اندیشه‌ای قوام یافته برخوردارند و می‌توانند مشاوران مناسبی باشند که به بیان علی (علیه‌السلام):

«رأى الرجل علی قدر تجربته.» (همان: ۳۸۵)

«اندیشه انسان به اندازه تجربه اوست.»

و نیز آمده است: «بهترین مشاوران، خردمندان و دانشمندان و صاحبان تجربه‌ها و دوران‌دیشان هستند که تجربی فراوانی دارند. از آرای پخته و اندیشه‌ای قوام یافته برخوردارند و می‌توانند مشاوران مناسبی باشند.» (همان: ۲۰۵).

امام صادق (علیه‌السلام)، در مورد ویژگی‌های مشاور از علی (علیه‌السلام) چنین روایت می‌فرماید: «در آن امور که دین تو اقتضاء می‌کند با کسی مشورت کن که در آن‌ها پنج خصلت باشد: عقل، بردباری، تجربه (که پیامبر (صلی‌الله و علیه‌واله و سلم) فرمود: هر بردباری اهل آزمون و خطا و هر حکیمی اهل تجربه است) ناصح بودن و تقوا» (مجلسی، ۱۳۶۵، ج ۱۰۳: ۷۸).

### نقش تجربه در پیروزی:

قرار گرفتن در موقعیت، شرایط میدان نبرد و تجربه نیروها، تأثیر زیادی در پیروزی دارد. رابطه کار، تجربه و پیروزی و موفقیت را می‌توان در ابعاد گوناگون جستجو کرد. علی (علیه‌السلام) فرمود: الظفر بالحزم والحزم بالتجارب

«پیروزی در سایه دوران‌دیشی به دست می‌آید و آن نیز در سایه تجربه‌ها». (شرح غررالْحکْم، ۱۳۶۵، ج ۲: ۲۰۵)

هم‌چنین در بیانی دیگر نقش تجربه را در پیروزی چنین بیان می‌فرماید:

«پیروزی با حسابگری دقیق است و حسابگری دقیق، به‌وسیله تجربه حاصل می‌شود» (همان: ۱۵۶)

### روشناسی

این تحقیق از نوع کاربردی است و روش آن با توجه به اینکه از ویژگی‌های ضروری روش، تناسب آن‌ها با موضوع پژوهش است. بدین معنا که هر موضوعی را نمی‌توان با هر روشی مورد تحلیل و فهم قرار داد. به‌ویژه زمانی که موضوع شناخت صامت نبوده و در واکنش به نوع روش انتخابی و تولید معنا، به‌صورت ایجابی و یا سلبی ایفای نقش نماید. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۶۴) روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

نظر به ویژگی‌های بیان شده برای آموزهای اسلامی به‌ویژه کتاب شریف نهج‌البلاغه می‌توان گفت روش تحلیل اطلاعات با استفاده از «تحلیل محتوا» به دلیل ماهیت هنجاری موضوع پژوهش جواب‌گوی اولیه نیاز محقق در حوزه پژوهش بوده است.

جامعه آماری این تحقیق تمامی احادیث و روایاتی که امام علی (علیه‌السلام) در دوران حکومتشان در خصوص تجربه فرموده‌اند. که ۱۰۰ روایت برآورد می‌شود.

حجم نمونه آن اگر جامعه آماری موردنظر کوچک و حجم تعداد افراد آن کم باشد، می‌توان آن را به‌طور کامل مطالعه نمود (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۹) بنابراین با توجه به این‌که در این پژوهش به‌واسطه برخورداری از جنبه تخصصی بودن موضوع، حجم روایات امام علی (علیه‌السلام) کمتر از ۱۰۰ روایت در موضوع تجربه می‌باشد، بنابراین در این حال جامعه آماری تمام شمار می‌گردد.

روش و ابزار جمع‌آوری داده‌ها روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری بود و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها تحلیل گفتمان جهت احصاء اندیشه‌ها، آراء، نظرات، رهنمودها و تدابیر مدیریتی امام علی (علیه‌السلام) است.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

حجم نمونه داده‌ها در گفتمان امام علی (علیه‌السلام) در موضوع این پژوهش ۸۱ مورد است، که برای پاسخگویی به پرسش پژوهش به ترتیب در موارد زیر است:

- ۲۲ بار عامل پیروزی،

- ۱۵ بار شرط لازم برای مشورت،
- ۱۱ بار احترام به رای تجربه‌دار،
- ۱۴ بار تصمیم‌گیری صحیح،
- ۴۳ بار منبع علم و معرفت،
- ۴ بار مانع فریب و شکست،
- ۳ بار مستندسازی تجربه باعث حفظ آن است،
- ۳ بار عامل موفقیت،
- ۳ بار افزایش خرد،
- ۲ بار ایجاد دانش جدید، ۲ بار تاریخ محصول تجربیات گذشتگان،
- ۲ بار مستندسازی تجربه باعث حفظ آن است،
- ۱ بار شرط لازم برای مسئولیت‌ها،
- ۱ بار مصونیت از خطا،
- ۱ بار عامل احیاء گری.

جدول ۱: شاخص‌های آماری کارکردهای تجربه در گفت‌وگو امام علی (علیه‌السلام)

ردیف	مورد کارگردی	سند	واژه محوری	معنا	تعداد تکرار
۱	مصونیت از خطا	غزوالحکم جلد ۲: ۲	طول التجارب	تجربه زیاد موجب مصونیت	۱ بار
۲	عامل موفقیت	نهج البلاغه حکمت ۳۱۱	التوفیق	موفقیت	۳ بار
۳	ایجاد دانش جدید	الکافی ج ۸: ۲۲	علم مستأنف	دانش تازه	۲ بار
۴	افزایش خرد	غزوالحکم ج ۱: ۸۰	العقل	استعداد عقل	۳ بار
۵	مانع فریب و شکست	غزوالحکم ج ۲: ۹۵	سلم من العوالب	سلامت از سقوط	۴ بار
۶	عامل احیاء گری	غزوالحکم ج ۲: ۹۵	و العتبار منذر الناصح	عبرته پند دهنده و ناصح	۱ بار
۷	به مسابله اسناد عینی	غزوالحکم ج ۴: ۲۲	عقل التجربة	عقل تجربی	۵ بار
۸	شرط لازم مشورت	غزوالحکم ج ۱: ۳۵۰	شاورت	مشاوره	۱۵ بار
۹	عامل پیروزی	غزوالحکم جلد ۲: ۲۰۵	حزم و ظفر	دور اندیشی و پیروزی	۲۲ بار
۱۰	مستندسازی تجربه باعث حفظ آن است	بحارالانوار ج ۶۵: ۲۸۲	کتب و رخ	نوشتن حوادث	۳ بار
۱۱	تاریخ محصول تجربیات گذشتگان	نهج البلاغه نامه ۳۱	آثارهم	اخبار آنان	۲ بار
۱۲	تصمیم‌گیری صحیح	ابن ابی الحدید، ج ۱: ۹۸	حسن الاختیار	بهترین انتخاب	۹
۱۳	منبع علم و معرفت	ابن ابی الحدید ج ۱۹: ۵۶۷	حفظ التجربة	نگهداری تجربه	۴ بار
۱۴	شرط لازم برای مسئولیت‌ها	غزوالحکم ج ۵: ۲۰۴	نوخ منهم اهل التجربة	انتخاب اهل تجربه	۱ بار
۱۵	احترام به تجربه‌دار	غزوالحکم ج ۱: ۴۰۷	رای	اندیشه	۱۱ بار

جدول ۲: توزیع فراوانی کارکردهای تجربه در گفتمان امام علی (علیه‌السلام)

ردیف	واژ محوری	فراوانی	درصد	درصد مقبیر
۱	طول التجارب	۱	۱/۲	۱/۲
۲	و العتبار منذر الناصح	۱	۱/۲	۱/۲
۳	نوخ منهم اهل التجربه	۱	۱/۲	۱/۲
۴	علم مستانف	۲	۲/۳	۲/۳
۵	آثارهم	۲	۲/۳	۲/۳
۶	التوفيق	۳	۳/۵	۳/۵
۷	العقل	۳	۳/۵	۳/۵
۸	کتب-ورخ	۳	۳/۵	۳/۵
۹	سلم من العواطب	۴	۴/۷	۴/۷
۱۰	حفظ التجربه	۴	۴/۷	۴/۷
۱۱	عقل التجربه	۵	۵/۸	۵/۸
۱۲	حسن الاختيار	۹	۱۰/۵	۱۰/۵
۱۳	رای	۱۱	۱۲/۸	۱۲/۸
۱۴	شاورت	۱۵	۱۷/۴	۱۷/۴
۱۵	حزم ، ظفر	۲۲	۲۵/۶	۲۵/۶

به‌طورکلی از آثار امام علی (علیه‌السلام) ۱۵ کارکرد برای تجربه شناخته می‌شود که همگی آن‌ها در ستون دوم جدول شماره ۱ بیان شده است.

• میزان اهمیت هر یک از کارکردهای پانزده‌گانه تجربه از نگاه امام علی (علیه‌السلام) در ۵ سطح به شرح جدول ۳ مورد دسته‌بندی قرار گرفتند. در این جدول به‌این‌ترتیب عمل شده است که با در نظر گرفتن درصد فراوانی نسبی هر یک از کارکردها، به‌عنوان معیار دسته‌بندی، در دسته‌های مشخص شده قرار گرفته‌اند. دسته‌بندی بر اساس محاسبه دامنه تغییرات و تقسیم آن بر ۵ دسته صورت گرفته است.

خیلی کم (۶/۸ - ۱/۲)، کم (۱۰/۹۷ - ۶/۰۹)، متوسط (۱۵/۸۶ - ۱۰/۹۸)، زیاد (۲۰/۷۵ - ۱۵/۸۷)، خیلی زیاد (۲۶ - ۲۰/۷۶)

جدول ۳: تعیین میزان اهمیت کارکردهای تجربه از منظر امام علی (علیه‌السلام)

ردیف	سطح اهمیت	کارکرد تجربه
۱	خیلی زیاد	عامل پیروزی
۲	زیاد	شرط لازم برای مشورت
۳	متوسط	احترام به نظر فرد مجرب
۴	کم	کمک به تصمیم‌گیری صحیح
۵	خیلی کم	<ul style="list-style-type: none"> <li>- به مثابه اسناد عینی</li> <li>- منبع علم و معرفت</li> <li>- مانع فریب و شکست</li> <li>- مستندسازی برای حفظ تجربه</li> <li>- افزایش خرد</li> <li>- عامل موفقیت</li> <li>- ایجاد دانش</li> <li>- استفاده از تاریخ</li> <li>- شرط لازم برای واگذاری مسئولیت‌ها</li> <li>- احیاگر</li> <li>- ایجاد مصونیت از خطا</li> </ul>

- کارکرد تجربه به‌عنوان عامل پیروزی حدود ۱/۵ برابر دومین کارکرد آن، دارای اهمیت است و به مقدار محسوسی در سیره امام علی (علیه‌السلام) از سایر کارکردهای تجربه پر اهمیت‌تر است.
- با دسته‌بندی کارکردهای مشخص شده، میزان اهمیت مقوله‌های کلان‌تر کارکردی از منظر امام بر اساس جدول شماره ۴ ارائه می‌گردد.

جدول ۴: دسته‌بندی و شاخص‌سازی کارکردهای تجربه

ردیف	شاخص ساخته‌شده	میزان اهمیت نسبی به درصد
۱	تجربه با کارکرد عامل موفقیت و پیروزی و جلوگیری از شکست	۴۶/۵۱
۲	تجربه با کارکرد مشورت‌پذیری و انتخاب مشاور	۳۰/۲۳
۳	تجربه با کارکرد افزایش توجه به عقل‌گرایی و خرد	۱۶/۲۸
۴	تجربه با کارکرد استفاده از تاریخ و گذشته	۵/۸۱
۵	تجربه با کارکرد انتخاب کارگزاران	۱/۱۶

- تجربه در نگاه امام علی (علیه‌السلام) به‌طور عمده‌ای به‌عنوان عامل موفقیت و مانع شکست مطرح می‌گردد. تا حدی که این کارکرد حدود نیمی از اهمیت تجربه در نگاه امام را شامل می‌گردد.
- تجربه به‌عنوان شرط لازم برای انتخاب مشاور در منظر امام (علیه‌السلام) دارای حدود ۳۰ درصد اهمیت است.

• استفاده از تجربه برای افزایش عقل‌گرایی و رشد خرد در اندیشه امام دارای اهمیت نسبی است.

• تجربه، برای استفاده از تاریخ و گذشته در اندیشه امام دارای اهمیت نسبتاً جزئی است. شرط تجربه برای واگذاری مسئولیت به افراد هرچند در اندیشه امام مطرح شده اما اهمیت نسبی آن بسیار جزئی است. البته صرف مطرح بودن چنین مقوله‌ای در میان انبوه مقولاتی که می‌توانست مطرح باشد نشان‌دهنده اهمیت آن و غافل نبودن امام علی (علیه‌السلام) از آن است.

## نتیجه‌گیری و پیشنهاد

### الف- نتیجه‌گیری:

اساسی‌ترین کارکردی که امام علی (علیه‌السلام) برای تجربه معرفی می‌نماید موضوع تأثیر تجربه در پیروزی و موفقیت و جلوگیری از ناکامی و شکست است. از یکسو این موضوع که نیمی از اهمیت تجربه را در برمی‌گیرد نشان می‌دهد که اگرچه این کارکرد مهم‌ترین کارکرد تجربه است اما همه‌ی آن نیست و کارکردهای دیگر هم قابل توجه و اهمیت هستند. از سوی دیگر این یافته نمایانگر آن است که تجربه در منظر امام علی (علیه‌السلام) تنها عامل پیروزی یا مانع شکست نیست. بلکه در کنار این عامل بسیار مهم عوامل دیگری نیز برای پیروزی لازم و مهم هستند.

کارکرد دیگر تجربه که شرط لازم برای انتخاب مشاور و اهمیت دادن به نظرات مشاور مجرب است نیز به شکلی می‌تواند در راستای همان عوامل لازم برای کسب موفقیت ارزیابی شود. چراکه اخذ مشورت و انتخاب مشاور به طور طبیعی برای دستیابی به موفقیت، پیروزی و ممانعت از ناکامی صورت می‌پذیرد. بنابراین موضوع انتخاب مشاور در دو زمینه قابل تحلیل و تفسیر است. زمینه اول همان‌گونه که ذکر شد مربوط به قرارگیری در کنار موضوع دستیابی به موفقیت است. این امتزاج حاکی از اهمیت حدود ۷۵ درصدی مقوله رابطه تجربه و کسب رستگاری و موفقیت در اندیشه امام باشد. زمینه دوم مربوط به تفسیر خود موضوع تجربه در مشورت و مشاوره بدون امتزاج آن با سایر موضوعات است. اهمیت این موضوع در دیدگاه امام حدود ۳۰ درصد است. این امر حکایت از آن دارد که تنها شرط مشاور، مجرب بودن وی نیست. بلکه عوامل دیگری که احتمالاً دانش، تخصص و... باشند نیز حائز اهمیت هستند.

کارکرد دیگر تجربه که دارای اهمیت نسبتاً قابل توجهی در دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) است، عقل‌گرایی و توجه به خرد است. تجربه می‌تواند موجب افزایش توجه به عقل و خرد گردد. خود

مقوله توجه به عقل و خرد نیز می‌تواند در راستای همان موضوع اصلی دستیابی به پیروزی و موفقیت ارزیابی شود.

موضوع بعدی که دارای اهمیت نسبتاً جزئی است استفاده از تجارب گذشتگان و تاریخ است. کم‌اهمیت‌ترین کارکرد تجربه از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) استفاده از افراد مجرب در واگذاری مسئولیت است. دلیل اهمیت کمتر این موضوع می‌تواند توجه امام به معیارهای دیگری مانند تخصص، تعهد و... برای به‌کارگیری مسئولان باشد. نکته بسیار مهم‌تری که می‌تواند از این یافته استخراج گردد، اعتقاد امام به موضوع گردش نخبگان و بلوکه نشدن مسئولیت در دست گروهی خاص است. این‌که امام موضوع مجرب بودن برای کسب مسئولیت را حائز اهمیت می‌داند اما درجه این اهمیت را کم نشان می‌دهد. به معنای ظرافت بسیار ویژه دیدگاه امام در این حوزه است. انتخاب کارگزاران نباید محدود به افراد دارای تجربه بوده و حلقه آن بسته باشد. بنابراین بایستی امکان تجربه‌اندوزی برای افراد حائز سایر شرایط لازم فراهم شود. تا از یکسو گردش نخبگان صورت پذیرد و از سوی دیگر افراد بدون تجربه در مسند امر قرار نگیرند.

در تحلیل کلی می‌توان بیان نمود که دیدگاه حضرت علی (علیه‌السلام) نسبت به تجربه بسیار گسترده و همه‌جانبه است. به‌طوری‌که از جنبه‌های مختلف به کارکردهای آن پرداخته و با میزان تأکید مشخص بر هر کارکرد، جایگاه تجربه در امور مختلف را معین فرموده‌اند. به‌طوری‌که اساسی‌ترین عامل پیشرفت و دستیابی به کامیابی، تجربه معرفی می‌گردد. بیشتر کارکردهای تجربه نیز حول همین محور در گردش هستند. تجربه عامل ۵۰ درصد موفقیت، ۳۰ درصد انتخاب مشاور، و ۱۶ درصد عقل‌گرایی است. در زمینه استفاده از تاریخ و انتخاب کارگران تجربه حائز اهمیت، اما غیر تعیین‌کننده است.

#### **ب- پیشنهادها:**

- (۱) بهره‌گیری از تجربه افراد به‌عنوان یک منبع دانش مدیریتی.
- (۲) ثبت تجربه افراد.
- (۳) به‌کارگیری افراد باتجربه در کنار نیروهای کم‌تجربه برای انتقال عملی تجربه.
- (۴) ملاک قرار دادن داشتن تجربه در انتخاب افراد برای تصدی مسئولیت‌ها.

**فهرست منابع:**

- قرآن کریم (ترجمه و تفسیر علامه طباطبایی)

**الف - منابع فارسی**

- اخوان، پیمان (۱۳۹۰) *مدیریت دانش از ایده تا عمل*، آتی نگر، تهران
- ابن ابی الحدید (۱۳۸۱) *شرح نهج البلاغه*، دار احیاء التراث العربی.
- ابن اثیر (۱۴۱۱) *الکامل فی التاریخ*، دار صادر، بیروت.
- ابن منظور، *لسان العرب*، بیروت، بی نا، بی تا.
- احمد بن حنبل (۱۴۱۴ ه. ق.) *مسند تحقیق: محمد درویش، دار الفکر*، بیروت، چاپ دوم
- اردکانی، رضا (۱۳۸۵) *دانشنامه امام علی (علیه السلام)*، قم،
- اسماعیل پاشا، *کشف الظنون*، بیروت، بی تا
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱) *امنیت*، دانشگاه امام صادق.
- تهرانی دلشاد (۱۳۸۵) *سیره پیامبر اکرم (صلی الله و علیه واله و السلم)*، دفتر تبلیغات، قم
- جاسم، حسین (۱۳۸۴)، *تاریخ سیاسی غیبت*، امیرکبیر، تهران
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳)، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۷۹) *عوامل شکست و پیروزی*، پژوهشکده تحقیقات اسلامی قم.
- خاکی، غلام رضا (۱۳۸۸) *مورد پژوهی سازمانی*، شبیه، کرج.
- خوانساری، جمال الدین (۱۳۶۶) *شرح غرر الحکم*، دانشگاه تهران.
- دفاع ملی (۱۳۹۰) *مقدمه ای بر طرح تحقیق نظام حکومتی الگو*، داعا، تهران.
- شیخ مفید (۱۴۱۳ ه. ق.) *الارشاد*، تحقیق موسسه ال بیت، قم.
- طبرسی، *احتجاج*، علمی، بیروت بی تا.
- طوسی، خواجه نصیر الدین (۱۳۳۶) *اخلاق ناصری*، علمی فرهنگی، تهران،
- فیض الاسلام (۱۳۶۵) *نهج البلاغه*، انتشارات فیض الاسلام، قم.
- قمی، شیخ عباس، *سفینه البحار*، انتشارات کتابخانه سنائی بی تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۰) *الکافی*، انتشارات اسوه.
- مجلسی، محمدتقی (۱۳۶۵) *بحار الانوار*، دارالکتب الاسلامیه.
- هیشمی (۱۳۹۰ ه. ق.) *کشف الاستار*، موسسه الرساله بیروت.
- یعقوبی، تاریخ یعقوبی، *دارصادر*، بیروت بی تا.

**ب - منابع انگلیسی**

- Merriam-Webster's Collegiate Dictionary - 5.0 out of 5 based on.